

## متن استعفاء نامه رضاخان در جریان اشغال ایران

۷ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۲۳:۴۱

شاهدخت اشرف تصور کرد شاید پدرش پس از استعفا سگته کرده است.

در جریان جنگ جهانی دوم و بعد از اشغال ایران توسط قوای متفقین، رضا شاه در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ استعفا داد. فروغی متن استعفانامه او را آماده کرد و از شاه خواست به دقت متن را بخواند و هر جا را لازم می‌داند اصلاح کند، اما شاه بدون هیچ اظهارنظری آن را امضا کرد. متن به شرح زیر بود:

«نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام، حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که یک قوه و بنیه جوان‌تری به کارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد، بنابراین امر سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم. از امروز که بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری، ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌کردند باید نسبت به ایشان منظور دارند.» پس از استعفاء، رضاخان در اتومبیلی بدون ملازم که فقط راننده‌ای آن را می‌راند، عازم اصفهان شد تا به خانواده‌اش ملحق شود. ستوان فریدون جم، داماد او که خانواده شاه را به اصفهان برده بود چند کیلومتر بیرون از اصفهان به استقبال وی رفت. او بیمار بود، در محل معهود از اتوموبیل بیرون آمد و کنار جاده دراز کشید تا اتوموبیل شاه برسد. احتمالاً چرتش برده بود. با ضربه نوک عصایی بیدار شد. رضا شاه بالای سرش ایستاده و از او می‌پرسید چرا کنار جاده خوابیده است. هر دو سوار اتوموبیل «قدیمی و فکسنی» شاه شدند و به سوی شهر و خانه‌ای راندند که افراد خانواده در آن اقامت گزیده بودند. زمانی که شاه به طرف ساختمان راه می‌رفت، دخترش اشرف که کنار پنجره نشسته و حیاط را نگاه می‌کرد «مردی بسیار کهنسال» را دید که با دو همراه جلو می‌آمد. «تزدیک‌تر که شدند از اینکه تشخیص دادم این پیرمرد در لباس غیرنظامی پدرم است، حیرت کردم. در مدتی کمتر از یک ماه به نظر می‌رسید به قدر بیست سال پیر شده است... در تمام عمرم رضا شاه را فقط در لباس نظامی دیده بودم، و همیشه تصور مردی مغرور و قوی را از او داشتم. کار نیروی حیات‌بخش او بود، و حالا ناگهان او تبدیل به مردی بی‌هدف شده بود، مردی که به قلمرو پیرمردانی فرستاده شده بود که دیگر کارآیی نداشتند. موقع عروسی برادرم آرزو کرده بود ده سال دیگر سر کار بماند تا برنامه‌هایی را که آغاز کرده به پایان رساند، ولی زمان لازم برای برآوردن آن آرزو به او داده نشد.» شاهدخت اشرف تصور کرد شاید پدرش پس از استعفا سگته کرده است. «

<https://www.cafetari.kh.com/news/48854/متذ-استعفاء-نامہ-رضاخان-چریاز-اشغا-ایران>